

# جنبه های اخلاقی

## اجتماعی سیاست

### در باب اول مرزبان نامه

مرضیه فخاری

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

#### چکیده

«مرزبان نامه» یکی از آثار ادبی است که اندیشه های سیاسی و مواعظ حکمی مولف، به طرز نمادگونه ای و از زبان حیوانات مطرح شده است.

مولف با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی، برای ارشاد حاکمان و رفع مشکلات جامعه، نکاتی پندآموز در جامه ی تمثیل\* و حکایت بیان می کند یعنی از ابزاری غیرمستقیم جهت ارائه ی راهکار به حکام سود می جوید.

مولف می کوشد تا با ذکر اصول پادشاهی، حاکمان را به فضایل اخلاقی از قبیل نرم خوئی، اعتدال، عدالت، فروتنی و ... فرا خواند و او را از صفات نکوهیده ای مانند سفلیگی، اسراف، تجاوز و ... آگاه سازد و کارگران را نیز به وفاداری و صداقت با یکدیگر ترغیب کند و در کل خواهان یک نوع مدینه ی فاضله می باشد.

نویسنده در بعضی از جاها برای بیان اندیشه های سیاسی اش به آیات قرآنی و احادیث استناد می کند و در جاهایی نیز به داستان ها و سخنان حکیمانه توجه دارد. مبنا و محور مولف، پادشاه است و سعی می کند در خلال داستانها، اندیشه های سیاسی اش را برای او تحلیل کند.

باید دانست دولت به اخلاق نیک نیازمند است تا جامعه اصلاح شود و پس از آن، برای تثبیت حکومت و محافظت از کشور، می بایست از دشمنان ضعیف که مخرب افکار مثبت مردم هستند، حذر کرد و به شیوه ای مناسب با آنها مقابله نمود.

مولف آنقدر برای پادشاه مقامی والا در نظر می گیرد که ذهن پادشاه را شفاف ترین اذهان می داند و معتقد است دگرگونی پدیده های طبیعی از تغییر نیات پادشاه نشأت می گیرد و این موضوع در داستان خره نما با بهرام گور مشاهده می شود.

از خلال داستانها و عبارات اثر برای دولت، وظایفی چون، حراست از اموال عمومی، تقویت قوه ی قضائیه و برخورد با مجرمان، رشد و توسعه ی اقتصادی، رفع نیازها با توجه به امکانات موجود، واگذاری مسئولیت ها و پست های حساس به افراد شایسته التزام به اصول اخلاقی، پرهیز از خودکامگی و ... در نظر گرفته شده است.

#### مقدمه

ادبیات فارسی در بردارنده ی تمامی جنبه های فردی و اجتماعی است و اگرچه در بعضی آثار به صورت کلی به این نکات اخلاقی، اجتماعی و ... اشاره شده است ولی دقت و مطالعه پیرامون این مسائل، بسیاری از زوایای تاریخی، سیاسی و اجتماعی و ... مربوط به دوران مولف را روشن می سازد.

یکی از این آثار مرزبان نامه است که سرشار از اصول و مواعظ اخلاقی و سیاسی است و نویسنده با نقل داستان ها به ارزیابی این اصول می پردازد و محتاطانه برای اصلاح و تربیت حاکم و جامعه، نصیحتی در خور و ارزنده ارائه می دهد، اگرچه مولف در این کتاب راهکارهای خود را برای حکام محلی ارائه می دهد اما نمی توان از کنار این اصول، که پایه و اساس سیاستمداری است، به سادگی گذشت و نگاهی ژرف در این اثر، اندیشه های گذشتگان را در خصوص شیوه های مملکت داری و اداره ی اجتماع و رعیت پروری و ... بر ما آشکار می سازد.

واضح و مبرهن است که ما نمی توانیم از متون ادبی پیشینیان، نظریه های سیاسی و اخلاقی و اجتماعی جامعه استخراج کنیم. حتی در خصوص آثاری چون گلستان، سیاستنامه و نصیحه الملوک که در مورد حکومت و انواع آن، شیوه های مملکت داری، حقوق متقابل مردم و دولت و ... سخن فراوان گفته شده است، تئوریهای جامع اندیشمندانه و سیاسی کمتر به چشم می خورد و به این بهانه، نمی توان از فواید این آثار، بی نصیب ماند. در صورتیکه در اروپا از قرون وسطی تاکنون ادبیات نیز عرصه ی مناسبی برای طرح مسائل سیاسی، اجتماعی و ... به حساب می آمده همان طور که در آثار افلاطون و ارسطو مشاهده می کنیم.

ملت هایی می توانند در صحنه ی روزگار تا ابد، جاوید بمانند که اندیشه ی والا و اصیل آنان،

راهگشای عموم شود.

برماست که برای دست یابی به قله های کامیابی و بهروزی، پلی به اندیشه های آنان بزنیم تا پیوسته در صحنه ی اخلاق، سیاست، حکمت و .... گوی سبقت را از دیگران بریاییم.

در این مقاله سعی شده است اصول اخلاقی، سیاسی، از زبان مولف به دقت مورد بررسی قرار گیرد و نتیجه گیری های اخلاقی و سیاسی و .... از آن به عمل آید.

## مرزبان نامه و سیاست

« مرزبان نامه » به مرزبان بن شروین منسوب است که از نوادگان کیوس بود. پس از شروین پسر بزرگتر او بر مسند قدرت نشست و دیگر برادران نیز مطیع امر وی گشتند. برادران از روی حسادت خواهان ملک شدند و منازعت میان آنها پدیدار گشت، اما مرزبان که به زیور خرد آراسته بود، تصمیم به ترک دیار گرفت تا از سوءظن پادشاه نسبت به وی در امان بماند. بنا به خواهش بزرگان مبنی بر تألیف کتابی مشتمل بر نکته های حکیمانه و پندآموز، به حضور پادشاه شتافت و از عزم رفتن خود و تألیف کتاب سخن راند.

« اکنون که تمکین سخن گفتن فرمودی، حسن استماع مبذول فرمای که آوایم نصح ملایم طبع انسانی نیست. » (ورلوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۵)

به نظر مرزبان، هر چند نصیحت سوق دهنده ی آدمی به سوی سعادت است، اما هیچ گاه اندرزهایی که محتوایی سرزنش آمیز دارند موافق سرشت آدمی نیست. خصوصاً وقتی نصیحت با انتقاد آمیخته شود. زمانی که گوش حکومت جهت شنیدن انتقادات سازنده، شنوا باشد، بی شک می توان اذعان کرد که حکومت به اهداف پیش بینی شده اش دست می یابد. پس رد انتقادات جامع و منطقی از سوی حکام ناشی از مستبد بودن آنهاست. به جرأت می توان گفت عامل دوام و بقای بسیاری از حکومت ها نصیحت و انتقادپذیری است. البته باید خاطر نشان شد که منتقدان در حکم طبیبان دلسوز جامعه اند.

چنانچه خفقان حاکم بر جامعه منتهی به سکوت ناقدان شود، بی شک ضربات جبران ناپذیری بر پیکره ی اجتماع وارد می شود پس اینجاست که نقش منتقدان، روشن و آشکار می شود. لازم است منتقدان شایسته و کاردان با تیزبینی و جسارت کامل عمل کنند و در پیشبرد جامعه به سوی اهداف متعالی گام بردارند. همان گونه که سعدی می فرماید: «نصیحت پادشاهان کسی را مسلم است که بیم سر ندارد یا امید زر» (سعدی، مصلح الدین، ۱۳۷۹: ۱۸۱).

«۲» و بزرگتر نتیجه از نتایج خرد خلق نیکوست و اشرف موجودات را بدین خطاب شرف اختصاص می بخشد و از بزرگی آن حکایت می کند، و انک لعلی خلقی عظیم و نیازمندترین خلایق به خلیقت پسندیده گوهر پاکیزه پادشاهانند که پادشاه چون نیکوسرشت بود جز طریق عدل و راستی که از مقتضیات اوست نسپرد.» (ورلوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۵).

در این راستا، در می یابیم که مرزبان با کیاست و هوشمندی ویژه ای، جهت بیان آرا و نظریات سیاسی خود، به آیات قرآن استناد می کند آنجایی که خرد و نرم خوبی را می ستاید و آن را به عنوان خصیصه ی ویژه پیامبر در نظر می گیرد و اهمیت این مطلب آنجا آشکار می شود که خداوند به پیامبر می فرماید: « و لو كنت غلیظاً القلب لا نفّضوا من حولک » اگر درشت خوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند. (قرآن مجید، ۱۳۷۸: ۳، ۱۵۹).

حفظ قدرت سیاسی تنها در سایه فرمانروایی نیک و اهل تقوی و فضیلت امکان پذیر است و اینجاست که مرزبان فضیلت های اخلاقی را یادآوری می کند و بر لزوم نیک سیرتی تأکید می کند و داد را زائیده ی خصلت نیک منشی قلمداد می کند.

« در سیاست نیکی جز دادگری نیست که صلاح عامه بدان وابسته است. » (عنایت، حمید، ۱۳۶۴: ۱۳۵).

خواجه نظام الملک نیز تنها راه سامان یافتن حکومت را عدل و سیاست امیری دادگر

می داند. وقتی حاکمان به زیور عدل آراسته شوند همه از حقوقی مساوی برخوردار خواهند شد. یکی از شرایط حاکمان برخورداری از صلاحیت اخلاقی است. « حاکم باید از صلاحیت اخلاقی بالایی برخوردار باشد چه بسا کسی که به قانون و مبانی آن و مصالح جامعه از همه داناتر باشد. اما به سبب هواپرستی در اندیشه ی تحصیل مصالح واقعی جامعه نباشد، بلکه در پی تأمین منافع شخصی یا گروهی برآید. از این رو برای اینکه در پی تأمین منافع شخصی یا گروهی برآید، از این رو برای اینکه از قانون سوءاستفاده نشود باید حاکم بیشترین صلاحیت اخلاقی را داشته باشد. » (دارالبکلانی، اسماعیل، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

«۳» و چون انتهای سیرت او بر این منهای باشد، زبردستان و رعایا در اطراف و زوایای ملک جملگی در کنف امن و سلامت آسوده مانند و کافه خلایق به اخلاق او متخلّق شوند. » (ورلوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۶).

نکته یی که از این قسمت استنباط می شود این است که اصلاح افراد جامعه منوط به اصلاح حاکم وقت است. عدالت و دینداری پادشاه دستاویزی جهت زدودن پلیدی ها از بطن جامعه و قوام گرفتن جامعه است. وقتی حاکم امین بر مال و جان مردم باشد دست آنها را بر هر گونه تعدی می بندد و پیوند او با فضیلت های اخلاقی مانع پیدایش خلل و فساد در ارکان جامعه می شود یعنی وجود حاکم دیندار و با تقوا خود، عاملی برای تهذیب اخلاقی نفوس مردم به شمار می رود و « مدینه ی فاضله » افلاطون نمود ویژه ای در این جامعه پیدا می کند.

«پس بیاید دانستن که آبادانی و ویرانی جهان از پادشاهان است، که اگر پادشاه عادل بود، جهان آبادان بود و رعیت ایمن بود، چنانکه به وقت اردشیر و کسری انوشیروان بود و چون پادشاه ستمکار بود جهان ویران شود چنانکه به وقت ضحاک و افراسیاب و مانند ایشان» (غزالی، امام محمد، ۱۳۶۰: ۸۳).

« آشکار است که خردمندی را باید نزد حاکمان حکیم یافت و اگر صنعت خردمندی را به این مردمان نسبت دهیم به خاطر وجود فرمانروایان خردمندان است. » (جهانبگلو، امیرحسین، ۱۳۶۰: ۲۴).

۴- « بدان که از عادات پادشاه آنچه نکوئیده تر است یکی سفلیگی است که سفله به حق گزاری هیچ نیکوکاری نرسد و خود را در میان خلق به سروری نرساند» (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۶).

فرومایگی و سفلیگی مایه ی ننگی برای حکومت به شمار می رود. خصیصه ی بارز حکومت پست آن است که کار شایسته و ناشایست هم طراز تلقی می شود و از خدمات سزوار و برجسته ی خدمتگزاران تقدیر به عمل نمی آید و حکومت بی تفاوت از کنار خدمات شایان آنها می گذرد. مسلماً در چنین جامعه ای به تدریج نیکویی و کمال رنگ می بازد و نامان و بدکاران به جای دلسوزان بر مسند ریاست می نشینند و سر رشته ی کارها را به دست می گیرند. نیکان به اقتضای شرایط نامناسب مجبور می شوند مهر خاموشی بر لبهایشان بگذارند چرا که هیچ کس عمق نگاه پردردشان را احساس نمی کند. گمراهی و نادانی رخ می نمایند و فضل و هنر در پرده ی گمنامی می ماند و رادی و جوانمردی از چنین جامعه ای رخت بر می بندد و اختناق شدید سیاسی حاکم بر چنین اجتماعی می شود و این امر اعتراض و در نهایت انقلاب و سقوط دولت را به همراه دارد. « به دنبال از میان رفتن نظم و انسجام اجتماعی، خللی در دین و ملک پدید می آید و همین از میان رفتن نظم اجتماعی و بر هم خوردن ترتیب اصناف مردم، مایه ی تباهی دولت و سقوط پادشاهان می شود» (دارالبکائی، ابراهیم، ۱۳۸۰: ۶۵).

۵- « پادشاه نشاید بی تأمل و تثبیت فرمان دهد که امضاء فرمان او بنازله ی قضا ماند که چون از آسمان به زمین آمد، مرد آن به هیچ وجه نتوان اندیشید.» (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۷).

صدور فرمانهایی که مبتنی بر تأمل و تدبیر نیست نشان از خودکامگی و استبداد او دارد. خودکامگی ناشی از غرور و جهالت است و نتیجه ی آن نیز بر کندن پایه های حکومت و نابودی آن است.

در واقع حکومت بنا شده، بر پایه های استبداد و خودرایی، همان حکومت الیگارشوی در عصر کنونی است و مولف پادشاه را از این خصیصه ی نکوئیده برحذر می دارد.

لازم به ذکر است که چاره ی خودکامگی و استبداد، مهیا نمودن شرایطی مناسب جهت انتقاد است تا به تدریج ریشه های استبداد محو شود.

۶- « دوم اسراف در بذل مال که او به حقیقت بندگان خدای را نگرهان اموال است و تصرف در مال خود به اندازه شاید کرد فخاصه در مال دیگران جمال این سخن را نص کلام از منصفه صدق جلوه گری می کند، آنجا که می فرماید: و لا تسرفوا ان الله لا یحب المسرفین» (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۷).

عامل مهم دیگری که حکومت را فاسد و پایه های آن را سست و متزلزل می کند عدم مدیریت کافی در زمینه ی هزینه کردن مخارج بخش های مختلف جامعه و اسراف و تبذیر است. مسلماً این بذل و بخشش های بی مورد به سود منافع عمومی نخواهد بود. باید پذیرفت که اسراف، نابود کردن درآمدها و اموال عمومی است. کسی که خود اسراف می کند نه تنها از نعمتی برخوردار نمی شود بلکه باعث نابودی نعمت شده و دیگران را نیز از بهره مندی آن محروم می سازد.

« و ان المسرفین هم اصحاب النار» همانا اسراف کنندگان اهل آتشند. (قرآن مجید، ۱۳۷۸: ۴۰، ۴۳).

بر حاکم لازم است که محافظ و مراقب اموال عمومی و سرمایه های ملی باشد تا اقتصادی سالم و پررونق نصیب آنها شود و حفاظت از اموال عمومی، نشانه ی فرهنگ بالا و تعهد است. حاکم باید بداند که ثروت عمومی متعلق به همه ی اقشار جامعه و اهل دنیاست و مصلحت عمومی اقتضا می کند که هر فردی از این ثروت عمومی، بهره ی لازم را ببرد. پس حاکم یک جامعه با اسراف کردن، زمینه ی نابودی اموال عمومی را فراهم می آورد.

« پادشاه باید بداند که آنچه ستاند به اندازه ستاند و آنچه بخشد به اندازه بخشد که این هر یکی را حدی و اندازه بی هست.» (غزالی، امام محمد، ۱۳۶۱: ۱۲۷).

یکی از اهداف و برنامه های دولت، رشد و توسعه اقتصادی است. دولت باید تلاش کند تا وضعیت اقتصادی یک جامعه را تنظیم کند و

زمینه ی رشد اقتصادی را برای عموم مردم هموار کند. زیرا که موفقیت در این زمینه باعث افزایش اقتدار دولت است و عدم موفقیت آن باعث کاهش درآمدها و پدیدار شدن فقر اقتصادی و بی عدالتی های اجتماعی خواهد شد که به تبع آن تحولات سیاسی و اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت و این جز در سایه ی میانه روی و اعتدال در امور اقتصادی میسر نخواهد بود.

۷- « باید که فضای عرصه ی همت چنان دارد که قضای جمله حوایج ملک، هنگام اضطراب و اختیار درو گنجد تا اگر سببی فرا رسد و حاجتی پیش آید که از بهر صلاح کلی مالی وافر انفاق باید کرد، دست منع پیش خاطر خویش نیارد.» (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۸).

حکومت باید تمامی نیازهای یک جامعه را در عرصه های مختلف اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، اجتماعی و ... در نظر بگیرد و درصد رفیع نیازها با توجه به امکانات موجود و قوانین حاکم بر جامعه برآید و حاکم باید با درایت ویژه ای پاسخگوی نیازهای مردم باشد. زیرا مردم، خصوصاً در شرایط بحرانی، دولت را تنها حامی و تکیه گاه خویش می دانند و در این مواقع ایجاب می کند که دولت جهت نگاهداشت مصلحت عمومی از کمک رسانی مالی، اقتصادی و ... دریغ نکند.

۸- « گماشتگان تو در اضاعت مال رعیت دست به اشاعت جور گشاده اند و پای از حد مقدار خویش بیرون نهاده. بازار خردمندان کساد یافته و کار زبردستان بیعت و فساد زبردستان زیر و برگشته.» (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۴۹).

مرزبان پس از بررسی در اوضاع و احوال ملک، اساس پادشاهی را مختل می بیند و از والیان بی لیاقت ملک، خرده گیری می کند.

هنگامی که سستی و رخوت در ارکان سلطنت نفوذ باید والیان حکومت دست بر جور مردم می گشایند و هیچ ابائی نمی کنند و به « رعیت ستیزی» مشغول می شوند. جای تعجب نیست که در چنین موقعیتی، آداب معمول جامعه باژگونه شود و ضد ارزش ها در

جامعه شیوع پیدا کند. « هر جافی کاهی هر خسی که هر خسیسی رئیس، هر دستار بندی بزرگوار دانشمندی

آزاده دلان گوش به مالش دادند وز حسرت و غم سینه به نالش دادند پشت هنر آن روز شکست درست کاین بی هنران پشت به بالش دادند» (جوینی، محمد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵).

۹- « چه مجرم را به گناه عقوبت نفرمودن، چنان باشد که بی گناه را معاقب دانستن و از منقولات کلام اردشیر بابک و منقولات حکمت اوست که بسیار خون ریختن بود که از بسیار خون ریختن باز دارد.» (وراوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۵۵).

همه ی افراد یک جامعه یکسان رفتار نمی کنند و تعدادی از آنها تسلیم قانون و مقررات نمی شوند و نسبت به آن بی اعتنایند به سخنی دیگر متخلف و قانون شکنند و پیمان شکنی آنان باعث ظهور جرم و گناه می شود. بزهکار و مجرم نیز بایستی به تناسب گناهش مجازات شود. پس در جامعه باید مرجعی وجود داشته باشد که با آشوبگران و مجرمان برخورد قانونی نماید و قانون را برای همه به طور یکسان اجرا کند و قدرتمندان نتوانند با استفاده از امکانات خود از قانون سوءاستفاده کنند. این مرجع همان « قوه ی قضائیه » است که کشف جرم، اصلاح و مجازات مجرمان بر عهده ی اوست.

زمانی که مجرم به سزای جرم خود برسد و قصاص شود، آسایش و امنیت در جامعه فراهم می شود. در غیر این صورت شاهد عصیان و سرکشی طبقات مختلف جامعه خواهیم بود. ظلم بیداد می کند و قتل عام و آدم کشی اوج می گیرد، ریختن خون مردم جهت سلطه گری متداول می شود و به تدریج به قول فارابی « مدینه ی تغلیبه » کیان و موجودیت مدینه ی فاضله را تحت الشعاع قرار می دهد لذا « ریاست در این نوع مدینه با کسی است که نیرومندتر باشد » (سجادی، سیدجعفر، ۱۳۷۹: ۵۲).

۱۰- در ادامه، دستور فضل و دانش را برای رسیدن به پادشاهی کافی نمی داند و رسیدن به

مقام پادشاهی را منوط به دارا بودن فرّ ایزدی می داند. « پادشاهان برگزیده ی آفریدگار و پرورده ی پروردگارتند و آنجا که مواهب ازلی قسمت کردند، ولایت و رج الهی به خرج رفت، اول همای سلطنت سایه بر پیغامبران افکند پس بر پادشاهان پس بر مردم دانا » (وراوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۵۷).

« طبق نظریه ی شاهی آرمانی ایران شهری، شاه برگزیده ی خدا و دارای فرّ شاهی است. نخستین صفت چنین پادشاهی عدل است که خود فرع بر شاهی است. بنابراین نظم و امنیت تا زمانی در کشور وجود دارد که پادشاهی عادل و دارنده ی فرّ ایزدی بر آن فرمانروایی کند.» (طباطبائی، سیدجواد، ۱۳۷۲: ۴۴).

لازمه ی هر نظامی و حکومتی، مشروع بودن آن است. زمانی که حکومت مشروعیت داشته باشد از جانب توده ی اجتماع مورد حمایت قرار می گیرد. اعتقاد قدما به اینکه پادشاهان دارای فرّ ایزدی و تأیید الهی هستند شاید ریشه در همین « مشروع بودن » آن حکومت و پادشاهی داشته باشد. زیرا مشروعیت مایه ی دوام هر نظام سیاسی است و حکومتها بدون عنصر مشروعیت، مشکل است بتوانند به حیات خود ادامه دهند پس می توان گفت « زوال نظام های سیاسی نیز با از دست دادن مشروعیت آن آغاز می شود. اصل مشروعیت زمینه ساز اطاعت و پذیرش مردم در قبال دستورهای حاکم بوده و در سایه ی آن ثبات یک نظام سیاسی و نفوذ آن در جوامع بین المللی تضمین می شود. » (دارالبکائی، اسماعیل، ۱۳۸۰: ۱۴۳، ۱۴۲).

غزالی نیز اعتقاد ویژه ای به فرّ ایزدی پادشاهان دارد آنجا که می گوید « در اخبار می شنوی که السلطان ظل الله فی الارض. سلطان سایه ی هیبت خدای است بر روی زمین. یعنی که بزرگ و گماشته ی خداست بر خلق. » (غزالی، امام محمد، ۱۳۶۱: ۸۱).

« فرّ ایزدی بدان که ۱۶ چیز است: خرد و دانش و تیزهوشی و در یافتن هر چیزی و صورت تمام و فرهنگ و سواری و زین افزار کار بستن و مردانگی با دلیری و آهستگی و نیک

خوبی و داد دادن ضعیف از قوی ] و گشاده دستی] و دوستی و مهتری نمودن و احتمال و مدارا به جای آوردن رای و تدبیر در کارها و اخبار بسیار خواندن و سیرالملوک نگه داشتن و پرسیدن از کارهای ملوک پیشین » (غزالی، امام محمد، ۱۳۶۱: ۱۲۷).

« مهم ترین نمادهای فرّ به شرح زیر است: شمسه یا هاله ی نور پیرامون سر پادشاه در نگارگری هند، دستار که منشأ آن در سنگ نگاره های ساسانی سراغ گرفته شده و جانشین سریند شاهی یا همان دیهیم اشکانیان است، دو بالک تاج شاهان ساسانی؛ قوچ و سران و عقرب در بعضی مهرهای شخصی ساسانی. در کتیبه های هخامنشی گوی بالدار ساده نماینده ی فرّ است و این، در کنار نقش هورامزدا، نماد دومی برای مشروعیت حکومت هخامنشی است.» (آیدنلو، سجاد، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

اما چنین حکومت هایی که مشروعیت خود را در لافاه ی بخشش ایزدی می دانند، حکومت هایی مستبد و خودکامه اند که بواسطه ی انتساب به موهبت الهی، قصد دارند به حاکمیت خود مشروعیت بخشند. در صورتی که این حق مردم است که با انتخاب حکومت خود در سرنوشت خود و دیگران سهیم باشند و به گونه ای عموم مردم در ایجاد مشروعیت نقش داشته باشند تا بواسطه آن حکومت منتخب حق تصرف در جان و مال مردم را داشته باشد و هر جامعه ای که از چنین امتیاز ویژه ای برخوردار نباشد، افراد آن جامعه هیچ اراده و اختیاری نخواهند داشت.

« در حکومت اسلامی خدا، مالک حقیقی و ربّ انسانهاست. بنابراین در مرتبه ی نخست تنها خدا بر انسانها ولایت دارد و حق تعیین حاکم و رهبر از آن اوست و دخل و تصرف هر انسانی در اشیا و ولایت هر فردی بر دیگران باید به اذن و اجازه ی الهی صورت پذیرد. » (دارالبکائی، اسماعیل، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

۱۱- « زمانه دردل پادشاه نگرد تا خود او را چگونه ببیند، بهر آنچه او را میل باشد، مایل گردد، اذا تغیر السلطان تغیر الزمان » (وراوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۵۸).

تحقق آرمانهای اجتماع در گرو التزام حاکم جامعه به اصول اخلاقی و اجتماعی است. شکی نیست که جامعه از خط مشی ها و

منش‌های سیاسی و اخلاقی و اجتماعی دولت، الگو می‌پذیرد. پس ضروری است که دولت جهت سوق دادن جامعه به سوی پیشرفت و ترقی، الگوی مناسبی برای مردم باشد تا جامعه شکل مطلوبی به خود بگیرد. پس اصلاح و فساد جامعه در گرو اصلاح و فساد حکومت است که می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و زوال جامعه داشته باشد.

سپس ملک زاده با نقل داستان خرّه نماه با بهرام گور، به بیان این نکته می‌پردازد که احوال روزگار و پیشامدهای آن به نظر و عنایت پادشاه بستگی دارد و خداوند در صورتی نعمت بخشیده شده را می‌گیرد که پادشاه از مردم برگشته باشد.

۱۷ « اگر پادشاه را باید که شرایط عدل مرعی باشد و ارکان ملک معمور، کاردار چنان بدست آرد که رفق و مدارا بر اخلاق او غالب باشد و خود را مغلوب طمع و مغمور هوی نگرداند و بیاید دانست که ملک را از چنین کاردان چاره نیست که پادشاه منزلت سردار و ایشان مثابت تن » (وراونی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۶۷، ۶۶).

بزرگترین غفلت و بی‌توجهی حاکم، بی‌اطلاعی از اوضاع کارگزاران حکومتی است و این غفلت باعث تعدی کارگزاران بر زیردستان خواهد شد و دانایان گفته‌اند که « غفلت، دولت را ببرد. »

کسی که عهده دار کاری می‌شود باید صلاحیت انجام آن کاردانی و تخصص لازم را داشته باشد و نسبت به حد و مرز و حیطة ی وظایفش اشراف کامل داشته باشد. کارگزاری که صاحب این خصیصه باشد مایه ی برکت و افتخار جامعه محسوب می‌شود. اما باید در هر حال حاکم مراقب باشد تا فساد احتمالی و پیش‌بینی نشده ی بعضی از والیان در ارکان دولت وارد نشود.

پس عدالت حاکم اقتضا می‌کند تا در گزینش والیان دقت نظر به عمل آورد و کارگزارانی لایق و نیک کردار برهر منصبی بگمارد، زیرا حاکم، امین و پاسبان و محافظ ملت است و مردم نیز محکم‌ترین پایگاه برای حکومت قلمداد می‌شوند.

« پادشاه پاسبان درویش است  
گوسفند از برای چوپان نیست  
گرچه نعمت به فر دولت است  
بلکه چوپان برای خدمت اوست  
(سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۹: ۶۱)

« وظیفه ی رئیس این است که گروهها و دسته‌های مردم را بر حسب لیاقت و کاردانی و استعداد مرتب و منظم نماید و هرکس را در مرتبت ریاست و یا خدمتی که لایق اوست بگمارد و در این صورت است که همه ی مردم مدینه به مانند یک روح در کالبدهای متعدد در خدمت کشور واقع می‌شوند به سعادت حقیقی نایل می‌گردند. » (سجادی، سیدجعفر، ۱۳۷۹: ۵۰).

۱۱ پس از آن، ملک زاده انواع حکومت را بر می‌شمارد:

۱۳-۱ حکومت موروثی: سیاستی مخصوص که از قبل معمولاً به فرزند ارشد به ارث می‌رسد. این حکومت سنت گراست. زیرا تأکید می‌شود به هیچ وجه از آیین گذشتگان، روی برنگرداند. ضامن پیروزی او در گرو همین نکته است. زیرا خود تجربه‌ای در سیاستمداری ندارد و برای موفقیت در پادشاهی می‌باید به سیره ی گذشتگان عمل کند. این حکومت در واقع یادآور گونه‌ای از حکومت دیکتاتوری و الیگارش (حکومت توسط اقلیت) است که مختص دومان مشخصی است و طبق برنامه‌ی از قبل پیش‌بینی شده‌ای حکومت از شخصی به شخصی دیگر

منتقل می‌شود. چون انتقال قدرت در این حکومتها با کمترین تلاش صورت می‌گیرد، در صورت پیروی نکردن از سنتهای گذشتگان با شکست مواجه می‌شوند. این حکومت، ایستا است.

۱۳-۲ حکومت اکتسابی: بنیان این حکومت توسط یک نفر (موسس) نهاده می‌شود و موسسان یک حکومت پس از طی کردن فراز و نشیب بسیار و خطرات فراوان، یا ذکاوت و سیاست ویژه‌ای در جهت حفظ و پایدار نمودن حکومتشان می‌کوشند. آنها به مشکلات مملکت به

مربیان نامه للشمس الراونبی

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ثنائی که رواج ذکر آن چون نایای صبح بر نکت دهان گل خنده زبند و شکر و سپاسی که فواج نثر آن چون نسیم صبا جعد و طره سبل شکند ذات پاک کریمی را که از احاطت لطافت کرمش مطلقاً نطق تنگ آید قدیمی که عقل سازگاره کبریا، قدس قدس فرا پیش نهاد بصیری که در مشکاه رجاهی بصر بجزایر ادراک برونو جمال حقیقتش نتوان دید سبوی که در دهلیز سبوح از گند خانه ورم و خیال صدای مادی عطفش بنوار شنید زواهر علوی را با جواهر سفلی در یک رشته زینت وجود او کشید نهاد آدم را که عالم اصغرست از سلسله آفرینش در مرتبه‌ی آخری او انداخت چهل جلاله و تعالی و عم نواله و توانی، و درود و نیجات و سلام و صلواتی که از مهبت انفس رحمانی با نجات ریاض قدس همصافی کند بر روضه معجز و نیت معطر خواجه وجود و نغمه و نفاذ کل ما هو موجود که رحمت از سده خواجه استراحت اوست و رضوان از خزانه طلوت برای سلوت او رحمتش همه شب مشغله مور در فساد و رضوانش گرد نمین بگسوی حور انشانند بر نغاب آب و لبالی متنازع و متوالی،

سَلَامُ الصَّبْرِ كُلِّ صَبَاحٍ نَوْبُهُ ، عَلَيَّ يَاكَ الصَّبْرَانِي وَ السَّمَائِلُ  
سَلَامُ مَرْحَمٍ لِلنَّوْفِ حَتَّى . تَجِبُ مِنْ آتِيْنِ إِلَى السَّمَائِلِ  
... ثُمَّ عَلَى آلِهِ وَ عِتْرَتِهِ وَ اصْحَابِهِ مِنَ الصَّاهِرِيْنَ وَ الطَّاهِرَاتِ وَ الطَّاهِرِيْنَ  
وَ الطَّاهِرَاتِ اَجْمَعِيْنَ ،

۱۱ اما بعد، پوشیده نیست بر ارباب قراع سلیم و طابع مستقیم که جمع بین

خوبی واقفند. در فرماندهی مهارت دارند و مقتضیات زمان را می‌شناسند. این نوع حکومت معمولاً پس از رخدادهای انقلابی تأسیس می‌شود پس می‌تواند نشانی‌هایی از حکومت دموکراسی را به خوبی در آن حس کرد.

۱۴ دستور پس از شنیدن سخنان ملک زاده خشمگین شده، دشمنان

را به دو نوع ضعیف و قوی تقسیم می‌کند:

۱۴-۱ دشمن ضعیف نهانی: ویژگی‌های دشمن ضعیف نهایی را بر

می‌شمارد:

۱) اظهار به دینداری

۲) خودداری از گناه

۳) نیکوکاری

زمانی است که دشمن یا گروه‌هایی از جامعه، به دلیل برخوردار نشدن از منافع کافی، در معرض خطر قرار گرفتن موقعیت اجتماعی و شغلی شان خدشه دار کردن اعتبار حکومت، کاستن محبوبیت و وجهه‌ی اجتماعی حکومت، از راه تظاهر به دینداری و مظلوم نمایی دست به فعالیت‌های ضدحکومتی می‌زند. دولت باید با درایت و هوشیاری لازم، اقدامات آنها را خنثی کند.

زمانی است که دشمن بعد خارجی دارد و به رفتار و پندار ما آسیب می‌رساند. مقابله با چنین دشمنانی از طریق بسیج نیروهای داخلی و مبارزه با آنها، امکان پذیر است ولی هنگامی حکومت در تنگنا قرار می‌گیرد و کار، بر وی دشوار می‌شود که آسیب گروهک‌های داخلی و ناشناس، به مرور زمان هرگونه حرکت و دفاعی را از حکومت سلب کند و با ایجاد موقعیت‌های خطرناک، به گونه‌ای که حکومت حس نکند، به تدریج آن را منهدم کند.

این دشمنان برای عوام فریبی، در امان بودن از انتقادات و خرده‌دیگری‌های دیگران، هیچ‌النی بهتر از دین نمی‌جویند علت تظاهر به دین داری این گونه افراد، علاوه بر اینها خطاهایی است که مرتکب می‌شوند از قبیل رشوه خواری، اختلاس، سوءاستفاده‌های مالی، شغلی و... برای فرار از بدنامی، اظهار به دینداری می‌کنند. چشم پوشی حکومت از این افراد باعث خشم مردم می‌شود و تداوم این جریان‌ها باعث اعتراض آنها می‌شود.

۱۴-۲ دشمن قوی آشکار که مشخصه‌ی آن قدرت زور و بازوست. پس باید خاطر نشان ساخت که خطر دشمن ضعیف خطری جدی برای ادامه‌ی حیات حکومت است.

۱۵- «پادشاه دانا آنست که قاعده‌ی بیم و اومید رعیت مہمد دارد تا گنه کار همیشه با هراس باشد و پاس احوال خود بنارد و مواضع سخط پادشاه مراقبت کند. و نیکوکار به اومید مجازات خیر پیوسته طریق نیکو خدمتی و صدق هوا خواهی سپرد.» (رواوینی، سعدالدین، ۱۳۸۶: ۷۶).

«درستی و نرمی بهم در به است

چورگ زن که جراح و مرهم نه است» (سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۷۹: ۴۸).

پس چاره‌ی کار، آن است که، حاکم گناهکار را مجازات کند و او را به کیفر اعمالش برساند که نتیجه‌اش در امان بودن از آسیب‌ظاهرگرایان و مصلحت‌گرایان است و دیگر اینکه پادشاه خدمتگزاران را دور از نظر ندارد و گسترش خیر و نیکی نیز زاینده‌ی این اقدام حاکم است. در این صورت قوانین به درستی اجرا می‌شود. بر حاکم است که نظارت خود را بر تمامی دستگاه‌ها اعمال کند و در برابر اعمال خود و دیگران پاسخگو باشد. «ملک باید که به کار رعیت از اندک و بسیار نظر کند و نیکوکار را گرمی دارد و به نیک کرداری پادشاه دهدشان و بدکردار را از بدی بازدارد و به به بدکرداری ایشان را عقوبت کند و محابا نکند تا مردمان به نیکویی رغبت کنند و چون پادشاه با سیاست نبود و بدکردار را رها کند کار او با ایشان تباہ شود.» (غزالی، امام محمد، ۱۳۶۱: ۱۲۷).

پادشاه نیک و مجازات‌گناہکاری، جز تعالیم و دستورات الهی است. در نظام سیاسی حاکم بر جامعه هدف این است که اقشار جامعه در جهت خاصی حرکت کنند و کوشش و تدبیر نظام سیاسی باید به گونه‌ای باشد که جامعه در مسیر تحقق اهداف خود قرار گیرد و این در سایه‌ی حکومتی است که مطابق با ارزش‌های دینی حرکت نماید.

## نتیجه‌گیری

مرزبان، انتقاد و نصیحت را بهترین ابزار جهت یادآوری وظایف به پادشاه و حفظ قدرت سیاسی را به داشتن فضیلت‌های اخلاقی می‌داند و هر جا که اقتضا کند یا تکیه بر داستانها و نمادها، اصول سیاستمداری را مطرح می‌سازد البته شیوه او در بیان این مطالب، محافظه‌کارانه است و در کل سیاستی سنت‌گرا و مدارا گونه را پیشنهاد می‌کند و در همه جا سخن از رعیت پروری و ملاحظه‌ی احوال رعیت است و چون در اصول پادشاهی و حکومت موافق سنت‌گرایی و پیروی از سنت‌های گذشتگان است لذا به نحوی می‌توان

گفت طرفدار سیاست «ایستا» (در مقابل بویا) می‌باشد وی بنیاد حکومت و پادشاهی را براساس لیاقت و کاردان بودن می‌پذیرد لذا در نظر وی حکومت اکتسابی بهتر از حکومت موروثی است.

در این نگرش سنتی، پادشاه از فره ایزدی بهره‌مند است در صورتی که مشروعیت حکومت در جامعه اسلامی، اذن الهی است.

## پی‌نوشت

یادداشت‌ها (ارجاعات توضیحی)

\* برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به رمز داستان‌های رمزی در ادب فارسی دکتر تقی پور نامداریان، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۱۱۵.

## منابع

قران مجید، (۱۳۷۸) مترجم مهدی الهی قمشه‌ای (۱) آیدنلو، سجاد، (۱۳۶۸)، فصلنامه‌ی ادبی فلسفی، تاریخی نشر دانش، تهران، شماره‌ی سوم، انتشارات مرکز دانشگاهی، چاپ نماز.  
(۲) ارسطو، (۱۳۶۴)، سیاست ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران، چاپ چهارم، انتشارات سخن.  
(۳) جونبی، محمد، (۱۳۸۵)، تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی، تهران، جلد اول، انتشارات دنیای کتاب.

(۴) دارالبکلاتی، اسماعیل، (۱۳۸۰)، نگرشی بر فلسفه‌ی سیاسی اسلام، قم، چاپ اول، انتشارات بوستان.  
(۵) طباطبائی، سیدجواد، (۱۳۷۲)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در ایران، تهران، چاپ سوم، انتشارات کویر.

(۶) غزالی، امام محمد، (۱۳۶۱)، نصیحه‌الملوک، به قلم جلال‌الدین همایی، انتشارات بابک.

(۷) فارابی، ابونصر، (۱۳۷۹)، سیاست مدینه، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، تهران، چاپ سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

(۸) کویره، الکساندر، (۱۳۶۰)، سیاست از نظر افلاطون، ترجمه‌ی امیرحسین جهانگللو، چاپ اول، انتشارات خوارزمی.

(۹) سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۸)، دامنی از گل (گزیده‌ی گلستان سعدی)، توضیح غلامحسین بوسفی، تهران، چاپ هفتم، انتشارات سخن.

(۱۰) رواوینی، سعدالدین، (۱۳۸۶)، مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، چاپ یازدهم، انتشارات صفی‌علی‌شاه.

(۱۱) رواوینی، سعدالدین، (۱۳۸۶)، مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، چاپ یازدهم، انتشارات صفی‌علی‌شاه.